

گفت‌وگو با مجید رضائیان به بهانه برگزاری نمایشگاه مطبوعات

# «شفافیت»، حرکت به سمت روزنامه‌نگاری تحلیلی است

هادی عیار |



مجید رضائیان، مدیرعامل نشریه «شهرود»

براساس یک میناق مشترک کلی بر سر مطالبات مشترک به توافق برسند.

**برویم سراغ موضوع دیگری که در میان صحبت‌ها بیان اشکاره‌ای به آن کردید و آن روزنامه‌نگاری تحلیلی است.** با ورود به دنیای جدید انواع تازه‌تری از روزنامه‌نگاری با نام‌های روزنامه‌نگاری آنلاین، روزنامه‌نگاری تحلیلی و روزنامه‌نگاری تخصصی مطرح شده است. به نظر شما آینده روزنامه‌نگاری در کدام یک از این ژانرها بیشتر حضور خواهد داشت؟

ما در روزنامه‌نگاری یک «سوع» داریم و یک «ژانر». نوع با ژانر تفاوت دارد. اگر سراغ نوع رفتید مربوط به موضوع می‌شود و موضوع روزنامه‌نگاری تخصصی است. در این نوع روزنامه‌نگاری ورزشی به انواعی از جمله روزنامه‌نگاری فوتبال تبدیل می‌شود و روزنامه‌نگاری اقتصادی به روزنامه‌نگاری بورس و انواع دیگری تبدیل می‌شود. این روزنامه‌نگاری تخصصی است و مربوط به نوع آن. بخش دیگری ژانر روزنامه‌نگاری است؛ انواعی مثل روزنامه‌نگاری خبری، تشریحی، توسعه و تحقیقی. بعد از وب اصطلاح روزنامه‌نگاری آنلاین به وجود آمد. روزنامه‌نگاری آنلاین نه نوع است و نه ژانر. روزنامه‌نگاری آنلاین مثل روزنامه‌نگاری متکی به رسانه است. انواع آن هم روزنامه‌نگاری تلویزیونی، رادیویی، مبتنی بر چاپ و آنلاین است. با وجود این، روز سه روز آینده روزنامه‌نگاری به سمت روزنامه‌نگاری تحلیلی پیش می‌رود. روزنامه‌نگاری تحلیلی یک ژانر است. این ژانر می‌تواند در تلویزیون، روزنامه‌ها و آنلاین وجود داشته باشد.

البته روزنامه‌نگاری رادیویی جایی برای روزنامه‌نگاری تحلیلی وجود ندارد. در تلویزیون برنامه‌هایی که مایل هستند، بسته‌های خبری و گزارشی ارائه کنند، به سمت روزنامه‌نگاری تحلیلی می‌روند. در روزنامه‌نگاری وب، وب‌سایت‌هایی که دوست دارند، پایشان را یک قدم از خبر بیرون بگذارند، به سراغ روزنامه‌نگاری تحلیلی می‌روند. اساساً فلسفه ژورالیسم دو چیز است: یکی «رویداد» است و دیگری «سوز». رویداد سار انتخاب می‌کند و سوز را ما انتخاب می‌کنیم. در روزنامه‌نگاری سوز، هر چند رویدادها و رویدادهای موجودی است، مسئولیت‌های آن‌ها از رویدادها جداست. رویداد سار انتخاب می‌کند و تعقیب خبر می‌رود.

**سوال آخر: در خصوص اتفاقی که جدیداً در حوزه مطبوعات افتاده و آن بحث حقوق و مسئولیت‌های متقابل روزنامه‌نگاران و مدیر رسانه شامل سردبیر و مدیر مسئول است چه نظری دارید؟**

در خصوص رابطه سردبیر و روزنامه‌نگار باید گفت سردبیر در برابر روزنامه‌نگار سه وظیفه دارد: وظیفه اول پالایش و «پروزش سوز» است. سردبیری که بنشیند، روزنامه‌نگار برای او سوزه بیاید و او یک کلمه بگوید بسرو کار کن به جایی نمی‌رسد؛ مگر آن که بین آن دو سال‌ها فعالیت وجود داشته باشد و به نوعی همکاری سال‌ها منجر شود که با یک بله گفتن مسائل مشخص شود. از آن طرف هم نباید سردبیر هر روز به روزنامه‌نگار سوزه بدهد و روزنامه‌نگار هم بدون پرورش آن به سراغ سوزه برود. باید بین این دو، رفت و برگشت وجود داشته باشد. وظیفه دوم سردبیر در برابر روزنامه‌نگار «پردازش» است. سردبیر باید ادیب باشد. سردبیر باید کسی باشد که بر روی موضوع‌ها، بینش داشته باشد و پرداختی مجازی در برابر خواسته شما می‌ایستند. در همین مسائل اخیر، درباره پرونده یک آقای خاص با اتهاماتی خاص، هر چند هم برخی روزنامه‌ها بخوانند جلوی انتشار آن را بگیرند باز رسانه‌های مجازی هستند که از این خواسته‌تن می‌زنند. دنیای امروز دنیای پنهان کردن نیست. همه انجمن‌های صنفی نیز بسته شود، باز نمی‌توان جلوی مطالبات اهالی رسانه را گرفت و آن را کتمان کرد.

بنابراین باید قواعد بسازی را پذیرفت. اتفاقاً اگر قواعد روزنامه‌نگاری اعمال شود، این قواعد، امنیت بیشتری برای کشور ایجاد می‌کند؛ چون آدم‌ها مجبورند در مسیر آگاهی قدم بردارند. روزنامه‌نگاری فقط انتشار اطلاعات و دانستن آن نیست. آگاهی‌بخشی موضوعی فارغ از آن دارد. است که روزنامه‌نگاری، نقش مهمی در آن دارد. به همین دلیل است که دنیا به تعبیر بسیاری از سال ۱۹۹۲ و به تعبیر من از سال ۱۹۹۰ به سمت ژانر پنجگی با عنوان روزنامه‌نگاری تحلیلی رفت؛ روزنامه‌نگاری تحلیلی دیگر به دنبال «چه چیزی؟» نیست. دنیا از سوال «چه چیزی؟» عبور کرده است و این وظیفه برعهده رسانه‌های مجازی با سرعت بالا است. شعار شفافیت در نمایشگاه امسال به معنای حرکت به سمت روزنامه‌نگاری تحلیلی است. شفافیت یعنی روزنامه‌نگاری تحلیلی؛ یعنی پاسخ به سؤالاتی چون «چرا؟» یعنی تبدیل اطلاعات کتمان به اطلاعات آشکار. امروزه انجمن‌های صنفی جزیره جزیره نیست؛ بلکه یک بر صفر است. یک طیف خاص صاحب تشکیل شود. زیر یک چتر آمد، آمد. نیامد هم باید

مطلوب یک چیز است و موجود چیزی دیگر. در شرایط مطلوب گفته می‌شود که چقدر خوب بود که همه روزنامه‌نگاران زیر یک چتر جمع می‌شدند. بله؛ این شرایط مطلوب است اما شاید عده‌ای نخواهند زیر یک چتر جمع شوند. اگر چند انجمن صنفی هم وجود داشته باشد به نظر من نهادهای اطلاعاتی است و در همه جای دنیا مربوط است که روزنامه‌نگار نیست. اطلاعات کتمان، اطلاعاتی است که جزو حقوق مردم است و باید منتشر شود. روزنامه‌نگار بایستی تلاش کند به این اطلاعات کتمان دست پیدا کند و با شفاف‌سازی اطلاعات کتمان را به اطلاعات آشکار تبدیل کند. این فرآیند اگر اشکال نداشته باشد که این گونه بنامی نوعی دیالکتیک است بین روزنامه‌نگار آنچه در محیط و یا جامعه اتفاق می‌افتد. روزنامه‌نگار باید رابطه بین اطلاعات آشکار را تحلیل کند و بستنی از آن تولید کند. شفاف‌سازی یعنی روزنامه‌نگاری در جهت تبیین اطلاعات آشکار و کشف اطلاعات کتمان.

**مطالبه شفاف‌سازی در دوره‌ای مطرح می‌شود که ما نمونه‌هایی داریم که روزنامه‌نگار به خاطر همین شفاف‌سازی مورد اتهام یک سازمان قرار می‌گیرد و به زندان انداخته می‌شود.** روزنامه‌نگار شفاف‌سازی می‌کند، به خاطر این شفاف‌سازی به زندان انداخته می‌شود و سپس همین واژه به شعار نمایشگاه تبدیل می‌شود. به نظر شما در این موضوع تناقض وجود ندارد؟

تناقض وجود ندارد؛ به این دلیل که دولت حامی این شعار است. شفافیت مطالبه روزنامه‌نگار، مردم و دولت است. این که دولت پیگیر مطالبه شفاف‌سازی است، قابل تحسین است و اتفاقاً به خاطر همین اتفاقاتی که ذکر کردید، باید شعار نمایشگاه شفافیت می‌بود. به خاطر این مطالبه، روزنامه‌نگاری نیز دچار دردسر شده و دولت هم در پی حل این مشکلات است. نمی‌توان به خاطر مشکلاتی که شفاف‌سازی برای روزنامه‌نگار به وجود می‌آورد، قلم‌ها را کنار گذاشت. در همه جای دنیا شفاف‌سازی با واکنش نهادهای مختلف همراه است و ایران نیز از این قاعده مستثنای نیست؛ اما اینک است که وجود دارد. است که خوشبختانه در کشور ما دولت در کنار روزنامه‌نگار ایستاده است.

**نمایشگاه را به نوعی می‌توان محفلی دانست که همه اهالی رسانه با طیف‌های فکری گوناگون دور هم جمع می‌شوند. به بهانه این اتفاق می‌خواهم از شما نزدیک دور، چشم‌انداز انجمن صنفی‌ای فراگیر شامل طیف‌های مختلف روزنامه‌نگاران کشور شدد یا نه؟** به نظر من ما روزنامه‌نگاران بایستی در جهت انجمن صنفی گام برداریم؛ ولو این که فراگیر نباشد. ممکن است انجمن‌های صنفی‌ای باعناوین مختلف ایجاد شود. ولی نباید روزنامه‌نگاری که حرفه‌ای‌تر هستند و به ذات کار حرفه‌ای روزنامه‌نگاری پایبند هستند، کوتاه‌بیایند. آنها باید اصرار داشته باشند که انجمن صنفی را رانندازای کنند.

**حتی اگر این انجمن صنفی به شکل جزیره‌هایی دور از هم تشکیل شود؟** امروزه انجمن‌های صنفی جزیره جزیره نیست؛ بلکه یک بر صفر است. یک طیف خاص صاحب تشکیل شود. زیر یک چتر آمد، آمد. نیامد هم باید

شده که اسم آن «صداقت» است. روزنامه‌نگار پویشی دارد که به آن «شفاف‌سازی» می‌گویند. در روزنامه‌نگاری دو نوع اطلاعات وجود دارد. نخست «اطلاعات کتمان» و دیگری «اطلاعات آشکار» است. یک نوع دیگر اطلاعات داریم که «اطلاعات پنهان» است. این اطلاعات مربوط به افبی‌آی و نهادهای اطلاعاتی است و در همه جای دنیا مربوط است که روزنامه‌نگار نیست. اطلاعات کتمان، اطلاعاتی است که جزو حقوق مردم است و باید منتشر شود. روزنامه‌نگار بایستی تلاش کند به این اطلاعات کتمان دست پیدا کند و با شفاف‌سازی اطلاعات کتمان را به اطلاعات آشکار تبدیل کند. این فرآیند اگر اشکال نداشته باشد که این گونه بنامی نوعی دیالکتیک است بین روزنامه‌نگار آنچه در محیط و یا جامعه اتفاق می‌افتد. روزنامه‌نگار باید رابطه بین اطلاعات آشکار را تحلیل کند و بستنی از آن تولید کند. شفاف‌سازی یعنی روزنامه‌نگاری در جهت تبیین اطلاعات آشکار و کشف اطلاعات کتمان.

**بود و دشواری ورود، باعث جذب نیروهای با استعدادتر می‌شد؛ امروزه اما با توسعه رسانه‌ها از بعد کمی به خصوص و تنوع آنها در بخش‌های متنوع فضای مجازی، روزنامه‌نگاری آنلاین و تعداد بالای روزنامه‌های چاپی باعث شده جذب نیروها بیشتر باشد و بنابراین، کیفیت روزنامه‌نگاران در دلیل ورودی فراخ روزنامه‌نگاری پایین‌تر بیاید. نظر شما در این باره چیست؟** من معتقدم این موضوع یک توجیه است. اگر در گذشته تعداد روزنامه‌ها کم بود و تنها یک خبرگزای داشتیم، در کنار آن منقازی روزنامه‌نگاری هم پایین بود. امروزه منقازی این رشته بسیار بالا رفته و سالانه تعداد زیادی فارغ‌التحصیل روزنامه‌نگاری داریم اما در گذشته چنین چیزی وجود نداشت؛ بنابراین این دو کفه هنوز هم برابر است؛ اما این آموزش‌های حرفه‌ای با رعایت سه نکته‌ای که گفتیم لحاظ نمی‌شود. کمیت بالا متأسفانه بدون بالا رفتن کیفیت بوده است. سوال اصلی این است که با وجود این همه مراکز آموزش روزنامه‌نگاری، چرا هنوز اصول پایه‌ای این رشته رعایت نمی‌شود.

**به نمایشگاه مطبوعات برگردیم. شعار این دوره از نمایشگاه «شفافیت و صداقت» است. نظر شما درباره این شعار چیست؟** این که این نام‌گذاری نشان از کمبود این دو واژه در فضای امروز رسانه‌ای ما دارد یا نه؟ به نظر من این شعار، بسیار شعار لازم و درستی بوده است. اگر نگاه به اتفاقات سال گذشته جامعه بیندازیم، متوجه می‌شویم که بسیاری از اتفاقات حاصل سوءتفاهم بوده است. روزنامه‌نگار یادداشتی یا گزارشی می‌نویسد؛ بلافاصله با رسانه او برخورد می‌شود. بایستی مشخص شود چه دلیلی دارد که با این سرعت با روزنامه‌نگار و رسانه‌ای که در آن فعالیت می‌کند، برخورد می‌شود. این شعار یک شعار انتقادی و یک مطالبه است. این شعار، مطالبه روزنامه‌نگاران کشور هم است. در کنار مطالبه روزنامه‌نگاران با عنوان «شفافیت»، وظیفه‌ای نیز برعهده آنها گذاشته

رسنه‌ها اتفاق می‌افتد. در واقع بایستی این استاندارد‌سازی به صورت کمیسی در فضای نمایشگاه وجود داشته باشد.

**افزادی که به آنها اشاره کردید از جمله دهخدا و بهار به این شکل بود که قبل از ورود به حرفه روزنامه‌نگاری تخصصی فی‌المثل ادبیاتی داشتند و به پشتوانه این تخصص وارد فضای مطبوعات شدند. شما اما گفتید که بیسن از ورود به روزنامه باید به سراغ کارشناسی در یک حوزه تخصصی برود.**

این که من گفتم بعد از ورود به حوزه رسانه درصد کارشناسی در یک حوزه خاص باشد، یک استثنا بود. این که تا زمان ورود به رسانه در حوزه خاصی تخصص نداشته باشد، یک استثنا است که راه‌حل این موارد هم کسب تخصص در یک حوزه خاص است. و گرنه معمول آن این است که قبل از ورود، خود فرد در حوزه‌ای تخصص داشته باشد و با ورود به رسانه، به روزنامه‌نگار متخصص در آن حوزه تبدیل شود.

در گذشته یک سردبیر تمام این مراحل را طی کرده بود و علاوه بر آن در حوزه‌های تخصصی مختلف نیز ورود داشت. امروزه تنها تها این آموزش‌ها برای روزنامه‌نگار وجود ندارد؛ بلکه گاهی اوقات دیده می‌شود سردبیر نیز به همراه تحریری خود سرجمع یک تخصص درست‌وحسابی نداشته باشد. همین می‌شود که روزنامه‌نگاری ما می‌شود: «وی گفت» - «وی افزود». همین الان هم می‌بینیم کسانی که واقعا

حرفه‌ای هستند، کارهایشان به نسبت دیگران دیده می‌شود و تیرهایشان موج ایجاد می‌کند. روزنامه‌نگاری ما تحریریه‌هایی داشته است که اعضای آنها شامل ملک‌الشعرای بهار و علی‌اکبر دهخدا بوده است؛ کسانی که روزنامه‌نگار بوده‌اند و هم ادیب، امروز اما روزنامه‌نگار ما غلط دیکته‌ای دارد. مصاحبه و گزارش و خبرش هم وی گفت و وی افزود شده است. کم مانده یادداشت را هم وی گفت و وی افزود کنند.

**در چنین فضایی چه مسئولیت‌هایی برعهده سردبیر یک رسانه است؟**

مهم‌ترین بخش مربوط به یک سردبیر «دانش» است؛ اما دانش به تنهایی برای سردبیر کافی نیست و باید در کنار آن «بینش» نیز داشته باشد. سردبیری می‌تواند در میان رسانه‌های مختلف بدرخشد که در کنار دانش، بینش نیز داشته باشد. چنین سردبیری از کجا به وجود می‌آید؟ چنین سردبیری روزنامه‌نگاری بوده که معاون سرویس بوده است، دبیر سرویس بوده است، معاون سردبیر بوده است و نهایتاً سردبیر شده است. استاندارد دیگر مربوط به مدیران رسانه‌ها است. رسانه آدم امنیتی و نگاه امنیتی نمی‌خواهد. روزنامه‌نگار اگر مراحل حرفه‌ای را طی کرده باشد، خودش می‌داند که امنیت، مقررات و منافع ملی چیست؟ و نسبت به آن بینش دارد. هنگامی که آدم امنیتی وارد فضای رسانه می‌شود، به همه چیز نگاه امنیتی دارد. روزنامه‌نگار و رسانه پیاده‌نظام آدم امنیتی نیست. رسانه می‌تواند مواضع حزبی داشته باشد؛ اما پیاده‌نظام حزب نباید باشد.

این سه لایه از روزنامه‌نگار تا سردبیر و مدیر رسانه، بایستی استاندارد‌سازی شود. ببینید اگر امروز بخواهیم شرایط روزنامه‌نگاران کشور را از نظر تصمیمات مرتبط و پیش‌شرط‌های لازم برای روزنامه‌نگاری بسنجیم به چه نتایجی می‌رسیم؟ نقش نمایشگاه‌ها در اینجا پررنگ‌تر می‌شود. نمایشگاه‌های ما باید مبلغ و مروج استاندارد‌سازی رسانه‌های شوند. این تبلیغ از طریق نشست‌های پژوهشی، سخنرانی، مصاحبه و ویژه‌نامه‌های

بسکتبال و والیبال داشته و در یکی از این موارد تخصصی تر هم باشد و مثلاً باید حرفه‌ای‌تر و تخصصی‌تر والیبال را دنبال کنند. این مرحله دوم است. پس از این مرحله، بایستی پایه اصلی تحریریه «ادبیات» باشد و در کنار آن به زبان دومی نیز تسلط نسبی داشته باشد. روزنامه‌نگاری در سال ۲۰۱۶ این ملزومات را با خود دارد؛ بنابراین اینجا تسلط بر ادبیات و تسلط فنی و دوزبانه بودن ملزومات اولیه است. در کنار این دو گذراندن دوره‌های عمومی روزنامه‌نگاری و تخصص در حوزه خبری که قبلاً اشاره کردم، قرار می‌گیرد. هر کسی در دنیای امروز می‌خواهد روزنامه‌نگار شود بایستی این سه مرحله را طی کرده باشد. هر کسی از در تحریریه وارد روزنامه شد نباید او را روزنامه‌نگار تلقی کرد.

در گذشته یک سردبیر تمام این مراحل را طی کرده بود و علاوه بر آن در حوزه‌های تخصصی مختلف نیز ورود داشت. امروزه تنها تها این آموزش‌ها برای روزنامه‌نگار وجود ندارد؛ بلکه گاهی اوقات دیده می‌شود سردبیر نیز به همراه تحریری خود سرجمع یک تخصص درست‌وحسابی نداشته باشد. همین می‌شود که روزنامه‌نگاری ما می‌شود: «وی گفت» - «وی افزود». همین الان هم می‌بینیم کسانی که واقعا حرفه‌ای هستند، کارهایشان به نسبت دیگران دیده می‌شود و تیرهایشان موج ایجاد می‌کند. روزنامه‌نگاری ما تحریریه‌هایی داشته است که اعضای آنها شامل ملک‌الشعرای بهار و علی‌اکبر دهخدا بوده است؛ کسانی که روزنامه‌نگار بوده‌اند و هم ادیب، امروز اما روزنامه‌نگار ما غلط دیکته‌ای دارد. مصاحبه و گزارش و خبرش هم وی گفت و وی افزود شده است. کم مانده یادداشت را هم وی گفت و وی افزود کنند.

**در چنین فضایی چه مسئولیت‌هایی برعهده سردبیر یک رسانه است؟**

مهم‌ترین بخش مربوط به یک سردبیر «دانش» است؛ اما دانش به تنهایی برای سردبیر کافی نیست و باید در کنار آن «بینش» نیز داشته باشد. سردبیری می‌تواند در میان رسانه‌های مختلف بدرخشد که در کنار دانش، بینش نیز داشته باشد. چنین سردبیری از کجا به وجود می‌آید؟ چنین سردبیری روزنامه‌نگاری بوده که معاون سرویس بوده است، دبیر سرویس بوده است، معاون سردبیر بوده است و نهایتاً سردبیر شده است. استاندارد دیگر مربوط به مدیران رسانه‌ها است. رسانه آدم امنیتی و نگاه امنیتی نمی‌خواهد. روزنامه‌نگار اگر مراحل حرفه‌ای را طی کرده باشد، خودش می‌داند که امنیت، مقررات و منافع ملی چیست؟ و نسبت به آن بینش دارد. هنگامی که آدم امنیتی وارد فضای رسانه می‌شود، به همه چیز نگاه امنیتی دارد. روزنامه‌نگار و رسانه پیاده‌نظام آدم امنیتی نیست. رسانه می‌تواند مواضع حزبی داشته باشد؛ اما پیاده‌نظام حزب نباید باشد.

این سه لایه از روزنامه‌نگار تا سردبیر و مدیر رسانه، بایستی استاندارد‌سازی شود. ببینید اگر امروز بخواهیم شرایط روزنامه‌نگاران کشور را از نظر تصمیمات مرتبط و پیش‌شرط‌های لازم برای روزنامه‌نگاری بسنجیم به چه نتایجی می‌رسیم؟ نقش نمایشگاه‌ها در اینجا پررنگ‌تر می‌شود. نمایشگاه‌های ما باید مبلغ و مروج استاندارد‌سازی رسانه‌های شوند. این تبلیغ از طریق نشست‌های پژوهشی، سخنرانی، مصاحبه و ویژه‌نامه‌های

شعار امسال نمایشگاه مطبوعات «شفافیت و صداقت» است. سخن گفتن از این دو کلمه در دنیای روزنامه‌نگاری امروز سوالات بسیاری را پیش می‌کشد. نبود امنیت شغلی برای روزنامه‌نگاران، شفافیت و کارکرد آن در عصر روزنامه‌های آنلاین، مجازی و تخصصی و بسیاری از دیگر سوالات از جمله این پرسش‌هاست. در همین خصوص به سراغ مجید رضائیان، استادیار دانشگاه و پژوهشگر ژورنالیسم رقیتم که از جنبه‌های بسیاری به بحث ما مربوط است و در این زمینه تخصص دارد.

رضائیان بارها در یادداشت‌ها و مصاحبه‌های خود به لزوم همراهی تخصص در زمینه‌های خاص در کنار تخصص روزنامه‌نگاری برای فرد شغال در این حوزه تأکید می‌کند و بر این اساس معتقد است که روزنامه‌نگاری «رشته» نیست؛ بلکه «میان‌رشته» است. خود او دارای مدرک لیسانس علوم سیاسی، فوق‌لیسانس روابط بین‌الملل و دکتری روزنامه‌نگاری است. از سوی دیگر وی از بنیانگذاران «جشنواره‌های تخصصی مطبوعات» به شمار می‌آید که از سال ۸۰ کلید خورده و تاکنون دآوری ده‌ها جشنواره و ریاست هیأت‌داوران را برعهده داشته است. در ادامه گفت‌وگو «شهرود» با این استاد دانشگاه را درباره لزوم توجه به شعار شفافیت و صداقت در دنیای امروز رسانه‌ای خواهید خواند:

**اجازه بدهید سوال آخر را همین اول بپرسم. به نظر شما با توجه به وضع کنونی فضای مطبوعات ایران به نمایشگاه نیاز دارد؟**

سوال شما دو جواب دارد؛ علمای منطق می‌گویند که جواب مشروط و مطلق، جواب مطلق شما این است که مطبوعات در هر زمانی به دیده‌شدن، ارزیابی، رورویی با همسان ارتباطات میان فردی و انسانی با مخاطبان خود نیازمندند. اگر به جواب مشروط نگاه کنیم که می‌گویید با توجه به وضع کنونی، من می‌گویم که مطبوعات ما امروز مگر وضع هم دارند؛ ما از کار حرفه‌ای فاصله گرفته‌ایم. قوانین، مهارت‌ها و استانداردهای حرفه‌ای لازم برای هویت یک رسانه نادیده گرفته می‌شود. کیفیت رسانه به عدد مخاطب نیست؛ مثلاً یک رسانه تخصصی اقتصادی حوزه بورس، ممکن است جامعه مخاطبانش ۱۰ هزار نفر باشد اما از لحاظ کیفیت نسبت به ۱۰۰ خبرگزاری یا سایت خبرساری برتر نیست. رسانه حرفه‌ای به استاندارد‌های حرفه‌ای نیاز دارد و پس از آن به نیروی حرفه‌ای تا کار حرفه‌ای انجام شود و آثار حرفه‌ای منتشر شود تا ارتباطی با مخاطب خود داشته‌باشد.

ما حلقه‌های سنگ بنای رسانه‌ای یعنی همان استاندارد‌سازی رسانه‌ای را درست انجام نداده‌ایم. این موضوع یک بخش از ضعف رسانه‌ای ما است. در چنین شرایطی اگر نمایشگاه مطبوعات به غنای حرفه‌ای، استاندارد‌سازی، مهارت‌ها و آموزش حرفه‌ای کمک کرد، می‌توانیم از مفیدبودن آن سخن بگوییم؛ اما اگر صرفاً برای وجه نخست آن، یعنی ارتباط با مخاطب خود تشکیل شده باشد، باید گفت که «صرفاً به بخشی از استانداردهای رسانه‌ای پاسخ داده و بخش‌های اصلی‌تر آن نادیده گرفته شده است».

**از پیش‌شرط‌های لازم برای کار رسانه‌ای گفتید. در شرایطی که فضای رسانه‌ای ما هنوز نه انجمن صنفی فراگیری برای دفاع از حقوق خانواده صنعت‌نگار دارد، نه بیمه روزنامه‌نگاری و نه دیگر سبک‌های اصلی هویت روزنامه‌نگاری، در چنین فضایی برگزاری نمایشگاه چه سودی برای بهبود کیفیت رسانه‌های ما می‌تواند داشته باشد؟**

بهرت است از مشکلات خود رسانه‌ها بگوییم. رسانه‌های خوب نمایشگاه خوبی خواهند داشت و رسانه‌های بی کیفیت نمایشگاه بی کیفیت. اصلی‌ترین کارکرد نمایشگاه مطبوعات همان ارتباط انسانی رودرو بین روزنامه‌نگاران رسانه‌ها با یکدیگر و با مخاطبان خود است؛ بنابراین باید اول به این سوال جواب دهیم که استاندارد‌سازی رسانه‌ای چیست و هنگامی که از استاندارد‌سازی رسانه‌ها سخن می‌گوییم این موضوع در چه سرفصل‌هایی طبقه‌بندی می‌شود؟ نخستین نکته‌ای که در کار رسانه‌ای وجود دارد، این است که فردی که می‌خواهد وارد این حوزه شود قبل از حضور باید دوره‌ها و آموزش روزنامه‌نگاری را طی کرده باشد. ممکن است در همان رسانه یا رسانه‌های دیگری کارآموزی کرده باشد. هنگامی که وارد می‌شود بایستی با حوزه‌های خبری کلی‌تری مانند شهرستان‌ها و حوزه‌های کمتر شلوغ - شروع به کار کند. نخست باید اصطلاحاً خبرآوری کند، بعد تنظیم خبر یاد بگیرد و ارزش‌های خبری را بشناسد. در این مرحله است که می‌توان فرد را به عنوان عضو ثابت یک سرویس خاص انتخاب کرد.

هنگامی که روزنامه‌نگار در یک حوزه خاص مستقر شد به حلقه مفقوده این بحث می‌رسیم؛ این که روزنامه‌نگاری یک رشته نیست. میان رشته است. روزنامه‌نگار به هر حوزه خاصی که وارد می‌شود، باید نخست کارشناس آن رشته یا حوزه باشد و با مسیر آن را طی کند. خبرنگار ورزشی اگر هست باید حوزه تخصصی داشته باشد؛ مثلاً خبرنگار توپ و تور. چنین خبرنگاری باید کارشناسی قابل قبولی از حوزه‌های فوتبال،